

فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، دوره دوم، شماره ۱، زمستان ۱۳۸۸، صص ۸۵-۵۷

گونه‌شناسی رهیافت‌های تلفیقی در طراحی برنامه‌های درسی و دلالت‌های کاربردی آن برای رشته اقتصاد

عادل پیغامی^۱

عضو هیئت علمی دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد

حیدر تورانی

عضو هیئت علمی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

چکیده

در گذشته، فلسفه آموزش و رویکردهای برنامه‌ریزی درسی صرفاً به انتقال مجموعه‌ای از دانشی سازمان‌یافته یا ایجاد و ارتقای نظام ارزشی حاکم بر رفتارهای فرد و جامعه محدود می‌شده، به طوری که طی چندین قرن و با کوشش‌های دانشگاه‌ها و مراکز جدید اغلب رشته‌های علمی از جمله اقتصاد، برنامه‌های درسی تخصصی و تک‌رشته‌ای به وجود آمد. اما امروزه، فلسفه آموزش و رویکردهای برنامه‌ریزی درسی را توسعه داده‌اند و از روش‌هایی جدید استفاده می‌کنند. در این روش‌ها، در فراسوی ساختار یک‌سویه‌نگر رشته‌های تخصصی، واقعیت‌ها و نیازهای دنیای جدید را جست‌وجو می‌کنند و جزئی‌نگری و محدودیت‌های تخصصی شدن و تقسیم علوم را، که در دهه‌های اخیر رایج بوده است، نقد می‌کنند. می‌توان این جریان را، که در حوزه طراحی برنامه‌های درسی در رویکردهای به اصطلاح «غیررشته‌ای»^۲ یا «تلفیقی»^۳ تجلی یافته است، در انواع رویکردهای درون‌رشته‌ای موازی^۴، رویکرد میان‌رشته‌ای^۵، رویکرد چندرشته‌ای^۶، رویکرد چندرشته‌ای متقاطع^۷، رویکرد چندرشته‌ای متکثر^۸ و رویکرد فرارشته‌ای^۹ (در سه نوع افقی، قائم و مورب) گونه‌شناسی کرد.

این مهم انگار ناپذیر است که مسائل اقتصادی چندوجهی و چندبعدی است و دانش اقتصاد ماهیتاً، دانشی تلفیقی از چند حوزه معرفتی علوم اقتصادی، جامعه‌شناسی، تاریخ، فلسفه، روان‌شناسی، حقوق و مباحث اخلاقی و هنجاری دینی است. با توجه به این نکته، پرواضح است که اولاً، طراحی‌های آموزشی و برنامه‌های درسی این رشته نمی‌تواند فارغ از مباحث برنامه‌ریزی تلفیقی باشد. ثانیاً، بلاشک بهره‌مندی از ظرفیت‌ها و یافته‌های علمی و تجارب آموزشی این رویکردها می‌تواند سرعت تحول و نوآوری در برنامه‌های آموزشی را افزایش دهد و بالتبع، سرمایه‌های انسانی آن را مضاعف کند و توانمندی و کارآمدی این دانش را برای مواجهه با مسائل علمی ارتقا دهد.

در این مقاله، در پی آن هستیم که ضمن معرفی این رهیافت‌ها، با طراحی نمونه‌هایی، امکان و دلالت‌های عملی استفاده از رهیافت‌های تلفیقی را در طراحی برنامه‌های درسی رشته اقتصاد و گرایش‌های تخصصی در مقاطع تکمیلی آن نشان دهیم؛ ان شاء الله.

واژه‌های کلیدی: اقتصاد، برنامه‌ریزی درسی، برنامه درسی تلفیقی، رویکردهای غیررشته‌ای.

1. Paighami@isu.ac.ir

2. Non-Disciplinary Approach

4. Interdisciplinary Approach

6. Cross-Disciplinary Approach

8. Supra/Trans-Disciplinary Approach

3. Parallel Disciplinary Approach

5. Multi-Disciplinary Approach

7. Plural-Disciplinary Approach

مقدمه

در گذشته، فلسفه آموزش صرفاً به انتقال مجموعه‌ای از دانشی سازمان‌یافته یا ایجاد و ارتقای نظام ارزشی حاکم بر رفتارهای فرد و جامعه محدود می‌شد. این مهم، در چارچوب برنامه‌ای برآمده از نظامی رشته‌ای با ساختاری مشخص و با زنجیره‌ای نهادینه از مفاهیم و روش‌ها و گام‌های آموزشی، عملی می‌شد.

اما امروزه، فلسفه آموزش را توسعه داده و از رویکردهایی جدید استفاده کرده‌اند. در این رویکردهای جدید، اهمیت اصلی به شخص انسان و مسائل برآمده از شئون فردی و اجتماعی او داده می‌شود، نه به مسیری که طی می‌کند. در این برنامه‌ها، واقعیت‌ها و نیازهای دنیای جدید را در فراسوی ساختار یک‌سویه‌نگر رشته‌های تخصصی جست‌وجو می‌کنند و جزئی‌نگری و محدودیت‌های تخصصی شدن و تقسیم علوم را نقد می‌کنند. از سوی دیگر، وحدت واقعی حوزه و دانشگاه و اسلامی شدن علوم انسانی و همچنین رفتارهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در فضای اجتماعی کشور از دغدغه‌های معرفتی حاکم بر فضای علمی کشور است. در این باره، به نظر می‌رسد آشنایی با این رویکردها و چرایی آن‌ها برای مدیران آموزشی و برنامه‌ریزان درسی لازم و کارآمد است؛ به‌ویژه برای مدیران و برنامه‌ریزان در دانشکده‌ها و مؤسساتی که در پی دستیابی به تولید علم و نهضت نرم‌افزاری برای خلق دانش‌های بومی و اسلامی و دستیابی به مرزهای جدید علم و خلق بایسته‌های خاص در عرصه علوم (به‌ویژه علوم انسانی) هستند. الحمدلله در سال‌های اخیر، مسئولان به این مسئله توجه و بر آن تأکید کرده‌اند.

در این نوشته به اختصار و ایجاز تمام، به معرفی اجمالی رویکردهای تلفیقی می‌پردازیم و برای مثال، به دلالت‌ها و نمونه‌هایی کاربردی از رشته اقتصاد اشاره خواهیم کرد.

۱. چرایی رویکرد تلفیق

عوامل و بستر مؤثر در ظهور رویکردهای تلفیقی و توجه به نظام‌های غیررشته‌ای را می‌توان این‌گونه خلاصه کرد:

۱-۱. انسان و پدیده‌های انسانی ذاتاً، پیچیده و دارای وجوه متعدد و مختلف است. همچنین رهیافت‌ها و روش‌ها و ابعادی که می‌توان به آن‌ها در بررسی واقعیت‌های فیزیکی یا انسانی توجه کرد، متعدد و متکثرند. از سوی دیگر، رشد و پیشرفت در علوم نیز به تقسیم موضوعی و روشی در علوم منجر شده است. این تکثر و پیچیدگی انسان و ابعاد مختلف او و تخصصی شدن علوم



موجب می شود که دانشی سازمان یافته و مرزبندی شده (رشته) نتواند به طور کامل، بر واقعیت منطبق شود و الگو و آینه ای گویا و شناسنده از آن باشد. لذا، برنامه ریزان و طراحان آموزشی با دانستن این موضوع، دست به تلفیق رشته ها و معارف بشری می زنند تا یافته های جدیدی را در عرصه علم و فناوری کسب کنند و برای مسائل جدید و مستحدثه و چندوجهی پاسخ های درخور یابند.

۲-۱. رشد بیش از حد و روزافزون مرزها در علوم، تبعاتی داشته که نیاز محیط های علمی و نهادهای دانشگاهی به برنامه های غیررشته ای را توجیه و تثبیت کرده است. این تبعات عبارت اند از:

۱-۲-۱. دگماتیزم و فانتسیزم^۱ که به دنبال تخصصی شدن در عرصه علوم پیدا شده است (قورچیان، ۱۳۷۸).

۲-۲-۱. جزئی نگری، غیرواقع نگری و یک سوپیه نگری ناشی از تقطیع علم (Feiner, 2002).

۳-۲-۱. حاکمیت روش ها و مبادی انتزاعی و تجریدی فارغ یا حتی مغایر با واقعیت به ویژه روش ها و مبادی ناشی از تحویل گرایی مفرط^۲ موجود در پوزیتیویزم.

۴-۲-۱. حاکمیت نوعی بی اطلاعی و بی فایده گی در هر رشته از سایر رشته ها و فقدان هرگونه تعامل و تأثیر و تأثر مثبت میان رشته ها.

۵-۲-۱. اطلاع نداشتن و استفاده نکردن از مواهب جامعیت و سازگاری درونی علم و نادیده گرفتن دیدگاه کل گرایانه و وحدت ذاتی علوم.

۶-۲-۱. ضرورت افزایش کارآمدی علوم و دستیابی به اهداف چندوجهی و متکثر.

۷-۲-۱. نبودن موقعیت انتقال علوم فراگرفته شده به موقعیت ها و نظام های مختلف (Kockelmans, 1998).

۳-۱. نیاز انسان امروز به تولید علوم عاری از مصائب و مشکلات جریان های دگم (جزماندیش) مدرنیته. جریان های موجود در این عرصه را می توان در سه دسته جریان های مسیحی، جریان های پست مدرن و جریان های اسلامی خلاصه کرد که به دنبال تعریف و تبیین علوم اسلامی جدید هستند.

۴-۱. دریافت این حقیقت که نظام های محتوایی رشته ها، در واقع و در ابتدا، نوعی طبقه بندی عملی برای دانش و موضوع های تحقیقی پژوهشی وابسته به آن رشته به شمار می رفته است و الزاماً نمی تواند به معنای مبنایی برای سازمان دهی آموزشی مفید و ضروری باشد.

۱. Fanaticism جریانی که متعصبانه و بیش از حد بر چارچوب های مفهومی و روش شناسی رشته خودی تأکید می کند و از درک زوایای نگاه دیگر عاجز می شود.

2. Reductionism



در مجموع، رویکردهای تلفیقی در پی این است که با ارائه سازمان‌دهی خاصی از آموزش، فرصت‌هایی را برای فراگیران فراهم سازد تا با اصول، مبادی، روش‌ها و موضوع‌های متنوع در قلمروهای متعدد آشنا شوند. البته، این سازمان‌دهی جدید به معنای نفی محاسن و فواید نظام‌های رشته‌ای نیست (قورچیان، ۱۳۷۸).

رویکرد رشته‌ای آگاهی سازمان‌یافته از هر واقعیت را از طریق مفاهیم و الگوهای مربوط و رشد تدریجی و انباشتی منطبق بر مسیر تعریف‌شده دارد. به همین علت، این رویکرد اثری اطمینان‌بخش بر یادگیرنده دارد. رویکرد رشته‌ای یادگیرنده و یاددهنده را مستقیماً با ساختاری منطقی مواجه می‌کند که خودبه‌خود، توالی زنجیره مفاهیم، پیش‌نیازهای موضوعی و روشی خاص را رعایت می‌کند و از طریق مفاهیم و الگوها، ساختارهای حقیقت را آشکار می‌کند (Smith, 2003). این خود امتیازی درخور توجه است که نباید در رویکردهای تلفیقی رقیب از آن غفلت کرد. در واقع، ساختار منطقی علم بی‌فایده نیست، بلکه بحث در شیوه استفاده از آن و مهارت‌های به‌دست‌آمده برای یادگیرنده است. لذا «ساختار منطقی هر علم» و «سازمان‌دهی مهارت‌ها» دو متغیری است که برنامه‌ریز باید در هر برنامه درسی خوب، هم‌زمان به آن‌ها توجه کند و ترکیب بهینه‌ای از آن‌ها را استفاده کند.

چرایی کاربرد و استفاده از برنامه‌ریزی‌های تلفیقی و دلایل مذکور و موجه در آن، در برنامه‌های درسی حوزه علوم انسانی اجتماعی، مثل رشته اقتصاد، پررنگ‌تر نیز هست (Weber, 1978). لازم به ذکر است که در منابع جدید برنامه درسی تلفیقی در ایران، عمدتاً اصطلاح «میان‌رشته‌ای» معادل همه رویکردهای غیررشته‌ای و تلفیقی به‌کار می‌رود که چندان دقیق و صحیح نیست و در ادامه این نوشته، خواهیم دید که رویکردهای میان‌رشته‌ای فقط یکی از حالت‌های متصور برای برنامه‌ریزی تلفیقی است.

۲. انواع رویکردهای تلفیق

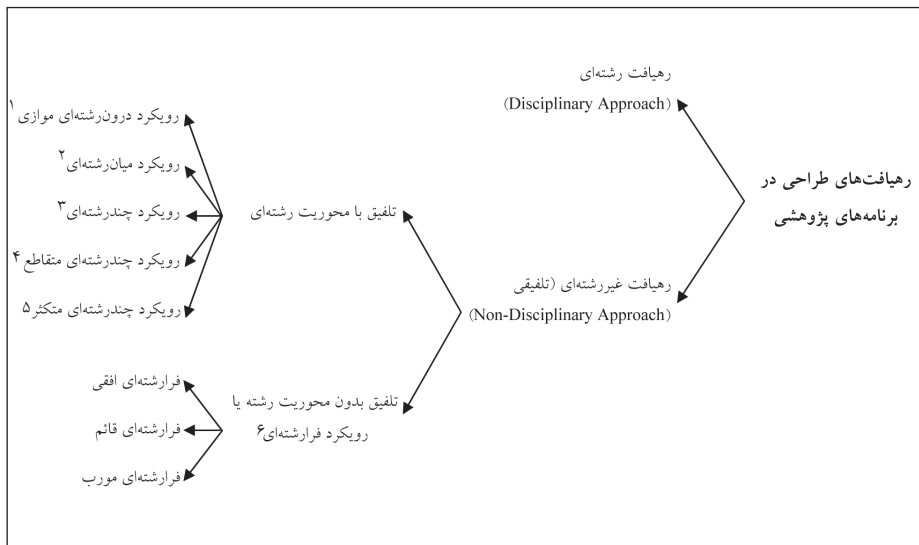
به‌طور کلی و براساس نمودار شماره ۱، رهیافت‌های موجود در طراحی برنامه‌های درسی، به حصر عقلی، در دو دسته رهیافت‌های رشته‌ای^۱ و رهیافت‌های غیررشته‌ای^۲ تقسیم‌بندی می‌شود. رهیافت‌های غیررشته‌ای نیز خود به دو دسته رویکردهای تلفیقی با محوریت رشته و



1. Disciplinary Approach
2. Non-Disciplinary Approach

رویکرد تلفیقی بدون محوریت رشته دسته‌بندی می‌شود (قورچیان، ۱۳۷۴ و ۱۳۷۸).

اساس کار رهیافت‌های تلفیقی با محوریت رشته، در جدول ۱ و رهیافت فرارشته‌ای، که خود به سه حالت دیگر تقسیم می‌شود، براساس جدول ۷، تعریف و سازمان‌دهی می‌شود.



نمودار ۱. انواع رویکردهای تلفیق (قورچیان، ۱۳۷۴)

در جدول ۱، همان‌طور که مشاهده می‌کنید، ساختار منطقی چند حوزه علمی، از مفاهیم و مبانی عام تا مفاهیم خاص، مدنظر بوده است و ترکیب‌ها و تلفیق‌های افقی و قائم و مورب در سطوح مختلف می‌تواند حالت‌های مختلف از برنامه‌های درسی را پدید آورد. بدیهی است سیاست حاکم بر برنامه درسی و مقاصد آموزشی مدنظر برنامه‌ریزان در تعیین نوع رشته‌ها، مفاهیم و سطوح آن‌ها تأثیر مهمی دارد.

1. Parallel Disciplinary Approach
2. Interdisciplinary Approach
3. Multi-Disciplinary Approach
4. Cross-Disciplinary Approach
5. Plural-Disciplinary Approach
6. Supra/Trans-Disciplinary Approach



جدول ۱. نحوه چینش و گزینش عناصر از رشته‌های تخصصی در انواع رهیافت‌های تلفیقی (دنو، ۱۳۷۷)

رشته‌های تخصصی								مفاهیم و روش‌ها
H	G	F	E	D	C	B	A	
۰	۱	۱	۱	۰	۱	۱	۱	مفاهیم بسیار عام ۱ تا n
۰	۱	۱	۰	۱	۰	۱	۱	روش‌های بسیار عام ۱ تا n
۰	۱	۰	۱	۱	۰	۰	۰	مفاهیم نسبتاً عام ۱ تا n
		۰	۰	۱	۱	۰	۱	روش‌های نسبتاً عام ۱ تا n
۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	مفهوم خاص ۱ تا n
۰	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	روش خاص ۱ تا n

در این جدول، انتخاب مفهوم یا روشی خاص از حیطه‌ای علمی با عدد «۱» و انتخاب نکردن آن در برنامه با عدد «۰» نشان داده شده است. البته، در مقام برنامه‌ریزی و در شکل کامل‌تر این جدول، می‌توان ابتدا درباره حیطه‌های آموزشی موجود در هر رشته نظر داد و سپس در هر حیطه نیز به انتخاب مفاهیم یا روش‌ها پرداخت.

براساس این جدول و با توجه به نوع حرکت افقی یا عمودی یا مورب در آن، رویکردهای پنج‌گانه‌ای خلق می‌شود که در ادامه، به بررسی بیشتر آن‌ها خواهیم پرداخت.

قبل از معرفی مختصر انواع روش‌های برنامه‌ریزی تلفیقی، ذکر این نکته لازم است که رویکردهای تلفیقی اشاره‌شده در این مقاله، از نظر درجه و میزان تلفیق، ماهیتی طیفی دارند. به طوری که در یک سر این طیف، عملاً با «جمع جبری» دو یا چند رشته مواجهیم و به تدریج، در طول این طیف، درجه و عمق و شدت تلفیق بیشتر می‌شود و به «جمع مزجی» می‌رسیم. لذا، در تمامی مقاله حاضر، مسئله تجمیع یا تلفیق را مقوله‌ای مشکک و طیف‌گونه خواهیم دید. در واقع، نمی‌توان برای رویکردهای تلفیق مرزهای مشخص ترسیم کرد و باید به ماهیت خاکستری بین رویکردها اذعان داشت. علاوه بر این، هرگونه مرزبندی مفهومی بین تجمیع و تلفیق (مهر محمدی، ۱۳۸۸) را دوری از کُنه مسئله می‌دانیم. این مرزبندی مفهومی ما را به ورطه‌ی ارائه وجه تمایز و فارق بین این دو می‌کشاند که به نظر می‌رسد چندان ارائه‌شدنی نباشد.

همچنین باید اذعان کرد که متخصصان برنامه‌ریزی درسی رویکردهای متعدد و گوناگونی را برای تلفیق مطرح کرده‌اند و ادعای این مقاله برای گونه‌شناسی این رویکردها نافی گونه‌شناسی‌های دیگر و همچنین بی‌توجه به اختلاف نظر و تشتت آرای موجود بین صاحب‌نظران این عرصه نیست. هرچند ادعای این مقاله این است که در عمل و با نگاهی



کاربرد، دسته‌بندی ارائه‌شده بیشتر به کار برنامه‌ریزان درسی و طراحان آموزشی در رشته‌های دانشگاهی می‌آید.

۱-۲. برنامه‌ریزی تلفیقی درون‌رشته‌ای موازی (Parallel Intra-Disciplinarity)

برنامه‌ی درسی «درون‌رشته‌ای موازی»، که از آن به «جمع جبری» رشته‌ها نیز یاد کرده‌اند، روشی است که در آن، هر یک از رشته‌ها، مفاهیم، ساختار، اصول، مبادی و روش‌های خود و ترتیب ارائه آن‌ها را به‌طور کامل حفظ می‌کند و در عمل، فقط اجرای متوازی دو یا چند رشته با برنامه‌های مجزا و البته، منطبق بر نظم منطقی هر رشته را برای یادگیرنده می‌بینیم.

البته در این رویکرد نیز مجموعه‌ای از برنامه‌ها را در تلاقی و تعامل نظام‌های رشته‌ای با هم شاهد هستیم. مثلاً، در نوع بسیار منحن این روش، هیچ‌گونه تلاقی و تعاملی از نظر موضوع، مبادی، مبانی یا روش بین دو حوزه معرفتی را لحاظ نمی‌کنند و صرفاً به ارائه دروس اکتفا می‌کنند. در نوع پیشرفته این رویکرد، البته به تلاقی و تعاملی که موضوعات و مبانی مبادی یا رویکردها و روش‌های دو حوزه معرفتی با هم می‌تواند داشته باشد، توجه و تلاش می‌کنند تا همگونی و سازگاری درونی برنامه و محتوای آموزشی را رعایت کنند. نمونه‌ای از این نوع را می‌توان در ساختار کلی برنامه‌های آموزشی، اعم از سرفصل‌ها و برنامه‌های درسی، در رشته‌های دانشگاه امام‌صادق (علیه‌السلام)^۱، که در این عرصه در دو دهه گذشته پیشرو بوده است، مشاهده کرد. این برنامه‌ها طبق اهداف خاص آن دانشگاه در نظریه‌پردازی علوم انسانی مبتنی بر معارف وحیانی اسلام، بین معارف اسلامی و رشته‌های پنج‌گانه اقتصاد، مدیریت، علوم سیاسی، حقوق، فرهنگ و ارتباطات و گرایش‌های فلسفه و کلام، فقه و اصول و علوم قرآنی و حدیث طراحی شده است. در برنامه‌های پیشنهادی جدید این دانشگاه، در حوزه دروس عمومی و معارف اسلامی و همچنین رشته‌های تخصصی، مانند اقتصاد یا فرهنگ و ارتباطات، نیز می‌توان سطوح پیشرفته‌تری از این روش را مشاهده کرد. البته، درباره برنامه‌های درسی رشته‌های دانشگاه امام‌صادق (علیه‌السلام) باید به این نکته دقت کرد که هرچند رویکرد «درون‌رشته‌ای موازی» رویکردی ساده و نسبت به سایر رویکردها، ابتدایی‌تر و فاقد ویژگی‌های تلفیقی لازم است، ولی تمامی جریان‌ها و سیاست‌های آموزشی تلفیقی، به‌ویژه در گام اول و

۱. جالب است بدانید که دانشگاه‌های مهم دنیا در عرصه علوم انسانی هم‌زمان و بعضاً، بعد از دانشگاه امام‌صادق (علیه‌السلام) به طراحی‌های تلفیقی مانند فلسفه و اقتصاد در دانشگاه آراسموس، فلسفه و سیاست و اقتصاد در آکسفورد و... پرداخته‌اند! (ر.ک: پیوست ۱ و ۲)



مرحله‌ای که متون و درس‌نامه و محتوای آموزشی تلفیقی و همچنین استاد برای تدریس آن محتواها وجود ندارد، لاجرم از رویکرد موازی به‌عنوان اولین گام استفاده می‌کنند. شاهد این مدعا نمونه‌هایی است که در مراکز معتبر علمی دنیا در حال اجراست و در جای خود، بدان‌ها اشاره خواهیم کرد.

۲-۱-۱. محاسن

۲-۱-۱-۱. از آنجاکه تابه‌حال، نظام حاکم و سنتی آموزش دانشگاهی نظام رشته‌ای غیرتلفیقی^۱ بوده است و مدیران و برنامه‌ریزان و اساتید نیز برآمده از همین نظام بوده‌اند، طراحی و اجرای این نوع برنامه بسیار ساده است. در این رویکرد، برنامه درسی را به‌طور اساسی و ماهوی تغییر نمی‌دهند، مگر در متغیری معین مانند عامل زمان ارائه دروس، سازمان‌دهی عمودی (نه افقی) محتوای آن‌ها یا سازمان‌دهی افقی زنجیره مفاهیم مشترک در دو حوزه تخصصی. بدیهی است هرچه سازمان‌دهی افقی پررنگ‌تر شود، شاهد نوع پیشرفته‌تری از تلفیق خواهیم بود.

۲-۱-۱-۲. با توجه به حفظ و رعایت ساختار منطقی هر حوزه تخصصی و رعایت پیش‌نیازها و زنجیره مفاهیم و روش‌شناسی حاکم در هر حوزه، فرایند یادگیری منظم است و یادگیرنده در هر حوزه، پیشرفت علمی ملموسی را شاهد خواهد بود.

۲-۱-۱-۳. برنامه‌ریز از تجزیه اهداف کلی تلفیقی به اهداف جزئی معاف است.

۲-۱-۱-۴. محصول این برنامه، دانش‌آموختگانی است ذوجهین و مطلع از هر دو حوزه

معرفتی.

۲-۱-۲. معایب

۲-۱-۲-۱. ارتباط عمیق و مؤثر بین رشته‌ها ایجاد نمی‌شود. در واقع، جز در حد اطلاعات عمومی، این رویکرد از انتقال دانش و مهارت کسب‌شده به موقعیت‌های متفاوت و حوزه‌های دیگر عاجز است. در واقع، توازی حاکم بر برنامه درسی، اندیشه فرد را در سازمان‌دهی مطالب و بررسی یک‌پارچه پدیده‌ای واحد براساس یافته‌ها و نگرش‌های حاصل از رشته‌ها یاری نمی‌کند.

۲-۱-۲-۲. جز درباره یادگیرندگان نخبه، خلاق، باهوش و مستعد، یادگیرنده رشته‌ها را جدا از هم فرامی‌گیرد و کلاس درس ارتباط و تعامل لازم را با قابلیت‌ها و توانمندی‌های هر حوزه معرفتی در حوزه دیگر، و به‌طورکلی، در بررسی و حل مسائل زندگی واقعی برقرار



نمی‌کند. لذا یادگیرنده در این باره نمی‌تواند ارتباطی برقرار و روابط موجود را درک کند.

۲-۱-۲-۳. مسئله تلفیق فقط به ذهن یادگیرنده واگذار می‌شود و عناصر درگیر در فرایند آموزشی، از قبیل متن، برنامه درسی، چینش و زنجیره مفاهیم، روش‌های آموزشی و استاد، هیچ نقشی را در این زمینه به عهده نمی‌گیرد. لذا، احتمال شکست و این خطر برنامه درسی را تهدید می‌کند که یادگیرنده فلسفه آموزشی را نفی کند.

۲-۱-۲-۴. در عمل و در اکثر اوقات، توانمندی‌ها و قابلیت‌های یک رشته به نفع رشته دیگر نفی و دانش آموخته به یک رشته متمایل می‌شود. به‌ویژه اینکه این خطر بالقوه با سیاست‌های آموزشی یک‌سونگر و ناظر بر یک رشته، همچون اصل و فرع قراردادن رشته‌ها و درخواست و پذیرش موضوعات یا روش‌شناسی‌های ویژه از یک رشته در پایان‌نامه‌های تحصیلی، همراه شود.

۲-۱-۲-۵. در این رویکرد، آنچه اصالت دارد، ساختار رشته‌ای است نه متعلم یا موضوع. تأکید بر ساختار حاکم بر یک رشته نیز امکان، توان و مسئولیت تجزیه و تحلیل تلفیقی و نهایتاً، دستیابی به مرزهای جدید از دانش تلفیقی را تضعیف می‌کند. لذا، تخصصی شدن و تعلق به یک نظام رشته‌ای خاص از نظر مفاهیم، روش‌ها و تجزیه و تحلیل‌ها و زندانی شدن ذهن دانشجو در چارچوب‌های چهارگانه مدنظر کانت در کتاب *ارغنون*، که طراحی تلفیقی در پی غلبه بر آن‌ها بود، جز در حالت‌های استثناشده، همچنان باقی می‌ماند.

۲-۱-۳. دلالت کاربردی رهیافت درون‌رشته‌ای موازی در رشته اقتصاد

اکنون کم نیستند مراکز دانشگاهی و دانشکده‌های اقتصاد دنیا که به علت بسط و توسعه نظری که در علم اقتصاد به وجود آمده است و همچنین به سبب نیاز مراکز تجاری، اجرایی و سیاست‌گذاری کلان کشورها در مواجهه با مسئله‌ها و پدیده‌های چندوجهی، در پی تربیت افراد دارای چند تخصص هستند. رشته‌هایی همچون اقتصاد و مهندسی، اقتصاد و پزشکی، و به‌طور ویژه، رشته‌های «فلسفه و اقتصاد»، «حقوق و اقتصاد»، «فلسفه، سیاست و اقتصاد» را می‌توان در بیش از یک‌صد مرکز دانشگاهی معتبر دنیا ردیابی کرد. اسامی برخی از دانشگاه‌های معتبر مجری رشته «فلسفه، سیاست و اقتصاد» را در پیوست ۱ آورده‌ایم. رشته معارف اسلامی و اقتصاد دانشگاه امام‌صادق (علیه‌السلام) نیز دقیقاً از همین رویکرد برخوردار است.

طراحی برنامه‌های درسی در این مراکز دقیقاً، بر رهیافتی موازی منطبق است که صرفاً، به انتقال مفاهیم و چارچوب‌های تحلیلی و روش‌شناسی‌های پژوهشی هر رشته، مستقل از



دیگری می‌پردازد. نمونه عملی و عینی از این رهیافت در برنامه‌ریزی درسی را در جدول ۲، و در عناوین درس‌های برنامه رشته «فلسفه، سیاست و اقتصاد» دانشگاه آکسفورد مشاهده می‌کنید. البته، تمام دانشگاه‌های دیگر مجری این رشته نیز مشابه همین عناوین را با رویکرد موازی اجرا می‌کنند، به‌نحوی که سه دسته درس را از سه رشته مستقل از هم و بدون رابطه مفهومی یا روش‌شناسی، فقط در کنار هم، به دانشجو ارائه کرده و از هیچ درس واسطه، مانند فلسفه اقتصاد یا فلسفه سیاسی استفاده نکرده‌اند. (پیوست ۲)

جدول ۲. عناوین درسی رشته PPE دانشگاه آکسفورد

فلسفه	سیاست	اقتصاد
کلیات فلسفه	علوم سیاسی	اقتصاد خرد
فلسفه اخلاق	دموکراسی در نظریه و عمل	اقتصاد کلان
منطق مقدماتی	نظریه‌سازی دولت	ریاضی
تاریخ فلسفه	تحلیل نهادهای دموکراتیک	آمار مقدماتی
فلسفه فراکانتی	روابط بین‌الملل	اقتصاد بین‌الملل
	جامعه‌شناسی سیاسی	اقتصاد کشورهای در حال توسعه



همان‌طور که در بخش معایب اشاره کردیم، البته این رویکرد به‌تنهایی قادر به تأمین همه اهداف برنامه‌ریزان درسی نیست، ولی ابعاد مثبت و محاسن این رویکرد را نیز نمی‌توان نادیده گرفت. لذا، وجود ترکیب‌های درون‌رشته‌ای موازی بین اقتصاد با رشته‌هایی همچون فقه، حقوق، فلسفه، جامعه‌شناسی، علوم سیاسی و حتی علوم پایه‌ای همچون ریاضی و فیزیک یا رشته‌های مهندسی نیاز امروز دانشکده‌های اقتصاد است و موجب می‌شود تا ظرفیت این نهادها و اعضای هیئت علمی و دانش‌آموختگان آن‌ها در تحلیل معضلات و حل مسئله‌هایی ارتقا یابد که وجوه متعدد چندرشته‌ای دارند.

۲-۲. برنامه‌ریزی تلفیقی میان‌رشته‌ای (Inter-Disciplinarity)

برنامه‌ریزی تلفیقی میان‌رشته‌ای اساساً، رویکردی موضوع‌محور است. در این روش، به مفاهیم یا مبادی یا موضوعات کلی و اصول مشترک یا نسبتاً مشترک بین دو یا چند رشته توجه می‌کنند و آگاهانه، روش و زبان و دانش سازمان‌یافته چند حیطه از دانش را برای بررسی موضوعات و

مبادی مشترک به کار می‌گیرند. درعین حال، کاربردها و جلوه‌های بسیار متنوعی را از موضوعی واحد از منظر رشته‌های مختلف مطرح می‌کنند. لذا، در این سازمان‌دهی خاص آموزشی، دانشجویان هر چند به نظام رشته‌ای خاصی مقید نمی‌شوند، ولی موضوعات مهم و واحدی را از ابعاد مختلف و در چارچوب‌های تحلیلی و همچنین از منظر روش‌شناسی چند علم مطالعه و بدان‌ها توجه می‌کنند، به طوری که ابعاد متفاوت هر موضوع از جهات مختلف کالبدشکافی و در طرحی منسجم به دانشجویان ارائه می‌شود (Weber, 1978). این موضوعات طیفی از مفاهیم بسیار عام مشترک بین رشته‌ها تا مفاهیم خاص را دربرمی‌گیرد.

با توجه به جدول ۱ نیز ملاحظه می‌شود که طراحی برنامه‌درسی میان‌رشته‌ای را در سطوح مختلفی می‌توان انجام داد، چراکه برنامه‌ها را می‌توان با توجه به رسالت و اهداف کلان آموزشی هر دانشگاه صرفاً، در محدوده مفاهیم بسیار عام یا مفاهیم خاص طراحی کرد. ولی در تمامی این حالات، وجهه مشخص و اصلی این رویکرد حرکت افقی در جدول است.

۲-۲-۱. محاسن

۲-۲-۱-۱. واقعیت چندوجهی و پیچیده و درعین حال منسجم، ارتباط مؤثری با برنامه آموزشی برقرار می‌کند.

۲-۲-۱-۲. به سبب ارتباط مطالب و مواد درسی با هم و یکپارچگی و انسجام مطالب، یادگیری بهتر ممکن می‌شود.

۲-۲-۱-۳. در زمان دستیابی به اهداف متکثر و چندبعدی صرفه‌جویی می‌شود.

۲-۲-۲. معایب

۲-۲-۲-۱. در بعضی حالت‌ها، به‌ویژه اگر سطح حرکت افقی در جدول به مجموعه‌ای از مفاهیم خاص محدود شود، موجب نوعی سطحی‌نگری می‌شود که برای برون‌دادهای انسان متفکر و تصمیم‌ساز چندان مناسب نیست، ولی برای سطوح اجرایی و عملیاتی چه بسا مفید هم باشد.

۲-۲-۲-۲. با توجه به اینکه از هر حوزه علمی فقط چند مفهوم خاص بررسی می‌شود، فقط برای مقاصد آموزشی مفید است که می‌خواهند موضوعات خاص و اندکی را از زاویه‌های متعدد بررسی کنند، ولی برای اطلاع از حیطه‌ای آموزشی، اطلاعات بسیار کمی دارد.

۲-۲-۲-۳. تلفیق و طراحی روش‌های منحصر به فرد هر رشته با روش‌های احتمالاً ناسازگار یا مغایر با سایر رشته‌ها کاری مشکل است و در برخی حالت‌ها، برنامه را با ضعف طراحی و ناسازگاری درونی مواجه می‌کند.



۲-۳. دلالت کاربردی رهیافت میان‌رشته‌ای در رشته اقتصاد

این رهیافت توانایی خوبی برای مطالعه همه‌جانبه موضوعی چندبعدی و تربیت سیاست‌گذاران متخصص چندحرفه‌ای دارد. مثلاً در این رهیافت، موضوعاتی همچون دولت، خصوصی‌سازی، رقابت، توسعه، بازار یا مالکیت، یا حتی موضوعاتی جزئی مانند توسعه صنعتی، توسعه کشاورزی و... را هم‌زمان از دیدگاه‌های مختلف حقوقی، سیاسی، جامعه‌شناسی، تاریخی، اقتصادی و حتی دینی، و با به‌کارگیری مبادی، روش‌شناسی‌ها و روش‌های مربوط به هر دیدگاه بررسی می‌کنند. مثال جدول ۳ را می‌توان نمونه‌ای از برنامه کارشناسی ارشد «مطالعات توسعه» تلقی کرد.

جدول ۳. عناوین درسی دوره فرضی کارشناسی ارشد «مطالعات توسعه»

درس‌های عمومی	درس‌های عمومی مصوب همه رشته‌ها
درس‌های پایه	نظریه‌های جامعه‌شناسی، کلیات حقوق، اقتصاد خرد، اقتصاد کلان و...
درس‌های میان‌رشته‌ای	نظریه‌های اقتصاد توسعه
	سیر تحولات توسعه اقتصادی در دنیا
	جامعه‌شناسی توسعه
	اقتصاد کشورهای درحال توسعه
	ابعاد حقوقی فرایند توسعه
	ابعاد کلامی، فلسفی و انسان‌شناسی مسئله توسعه
	توسعه و نوسازی سیاسی
	اقتصاد سیاسی کشورهای درحال توسعه
	جامعه‌شناسی سیاسی کشورهای درحال توسعه
	سیاست‌گذاری عمومی در کشورهای درحال توسعه



فصلنامه علمی-پژوهشی

۶۸

دوره دوم
شماره ۱
زمستان ۱۳۸۸

طراحی برنامه‌های آموزشی میان‌رشته‌ای موجب می‌شود تا دانشکده‌های اقتصاد با تربیت دانشجویان چندبعدی، مشارکت جدی و مؤثری را در عرصه سیاست‌گذاری و ارتقای سطوح کارشناسی در مراکز اجرایی و تصمیم‌گیری کشور داشته باشد. بدیهی است این مهم مستلزم خواست، تقاضا و سرمایه‌گذاری مراکز مزبور نیز هست.

۲-۳. برنامه‌ریزی تلفیقی چندرشته‌ای (Multi-Disciplinarity)

در این رویکرد، با اطلاع از محدودیت‌ها و ضعف‌های پارادایمی و روشی علم اقتصاد، سعی

می‌کنند تا با استفاده از رهیافت‌ها و روش‌های سایر رشته‌ها، ضمن تقویت برنامه آموزشی و پژوهشی رشته اقتصاد، تبعات تلفیق و مشارکت اقتصاد را با آن رشته‌ها در روش‌ها، نظریه‌ها و راه‌حل‌های مرسوم اقتصاد دنبال کنند. بدین ترتیب، با استفاده از ظرفیت‌ها و یافته‌های رشته‌های جدید، افقی نو در علم اقتصاد می‌گشایند و ضمن تقویت، تصحیح و تکمیل در نظریه‌ها و روش‌ها، چارچوب‌های تحلیلی جدیدی از آن رشته‌ها به دست می‌آورند (De G - jsel, 2005). لذا، این رویکرد برای آموزش موضوعاتی جذابیت فوق‌العاده دارد که در ابعاد مختلف هم‌پوشانی دارند.

این رویکرد آموزشی با موضوع یا مسئله‌ای کلی آغاز می‌شود که هم‌زمان از طریق چند نظام رشته‌ای و اصول سازمان‌دهنده رشته‌های مختلف، پدیده یا موضوع یا مسئله‌ای را بررسی می‌کند. لذا، از این رویکرد نیز می‌توان به عنوان رویکردی «موضوع محور» نام برد.

مشابه رهیافت میان‌رشته‌ای، اصل بر تمرکز رشته‌های مختلف بر یک مسئله است، اما برخلاف آن، تلاش مستقیمی برای ارتباط بین آن‌ها صرف نمی‌شود و مسئله یکپارچگی^۱ دنبال نمی‌شود. مثلاً، در عنوانی همچون «جامعه‌شناسی سیاسی کشورهای در حال توسعه»، هر چند موضوع این رشته بررسی مسائل کشورهای در حال توسعه است، اما ارتباط و یکپارچگی چندانی بین چارچوب‌های تحلیلی و روش‌شناسی دو رشته جامعه‌شناسی و علوم سیاسی در تحلیل موضوع دیده نمی‌شود. از این رو، این رویکرد به سبب شدت و میزان تلفیق، رویکردی فی‌مابین رهیافت درون‌رشته‌ای موازی و میان‌رشته‌ای محسوب می‌شود و به علت تمرکز بر یک موضوع، از رویکرد موازی دور می‌شود، ولی هنوز به چارچوب‌های نظری و روشی رشته‌ها مقید است. البته، چه بسا بازشناسی رهیافت میان‌رشته و چندرشته‌ای از هم، صرفاً از عهده یک متخصص برنامه‌ریزی درسی تلفیقی برآید.

ترتیب و توالی موضوعات مطرح شده در این برنامه درسی را نیز عواملی همچون سهولت بررسی، فراهم کردن فرصت‌های پژوهشی خاص، نیاز جامعه و... تعیین می‌کند. بروز و ظهور این رهیافت در برنامه‌های درسی را می‌توان در ماهیت و کیفیت متون آموزشی یا محتوای تدریس استاد جست. این رهیافت در برنامه‌های پژوهشی، البته ظهور بیشتری دارد و پژوهش‌هایی را دربرمی‌گیرد که با عناوینی همچون «تحلیل جامعه‌شناسی و سیاسی توسعه مالزی» یا «ابعاد جامعه‌شناسی و سیاسی توسعه مالزی» مطرح می‌شود.

1. Integration



۲-۳-۱. محاسن

علاوه بر محاسنی که رویکردهای تلفیقی به طور عام دارد، می توان به محاسن زیر اشاره کرد:

- ۱-۳-۱. استاد و دانشجو به راحتی می توانند بین رشته های مختلف ارتباط برقرار کنند.
- ۲-۳-۱. در مقام طراحی برنامه، تلاش کمتری را می طلبد.
- ۳-۳-۱. همه شرایط و ابعاد موضوع بررسی می شود. در واقع، چون پدیده یا مفهومی به طور جامع و در کلیت خود ارائه می شود، همه شرایط و ویژگی ها و روابط بررسی می شود.
- ۴-۳-۱. به سبب بررسی مسئله از زوایای مختلف، تطابق و ارتباط لازم را با مسائل واقعی و زندگی داراست.

۲-۳-۲. معایب

۱-۲-۳-۲. در این رویکرد، ساختار درونی موضوعات درسی و توالی مفاهیم و پیش نیازها به هم می خورد. لذا، در مقام برنامه ریزی باید دقت کرد تا حلقه های متوالی موضوعات و مسائل به گونه ای انتخاب شود که این مشکل به حداقل خود برسد.

۲-۲-۳-۲. در مقام طراحی، برنامه همسان سازی میان «رویکرد موضوعی» با روند «از معلوم به مجهول» یا «از ساده به دشوار» دقت و مهارت خاص خود را می طلبد که دشواری خاص خود را دارد.

۳-۲-۳-۲. شرط لازم برای تدوین چنین طراحی درسی، این است که موضوع یا موضوعات انتخابی، امکان طرح از جانب رشته های مختلف را داشته باشد. لذا، در این رویکرد، تلفیق همه رشته ها با هم ممکن نیست.

۴-۲-۳-۲. برای اجرا، به اساتید ذوجهین با اطلاعات و دانش بالا نیاز است.

۵-۲-۳-۲. ایجاد وحدت رویه بین اساتید مشکل است.

۶-۲-۳-۲. یادگیرنده تجارب ذهنی لازم و معمول و پیشینی را برای درک پیچیدگی ها و حقایق امور ندارد. لذا، معمولاً در حالتی که یادگیرنده از تجزیه و تحلیل جدی مسائل توسط مربی نیز محروم باشد، فرایند یادگیری سهل نیست و چه بسا موجب تعمیم های اشتباه زده یادگیرنده نیز بشود.

۲-۳-۳. دلالت کاربردی رهیافت چندرشته ای در رشته اقتصاد

این رهیافت نیز همچون رهیافت میان رشته ای، ظرفیت خوبی را برای مطالعه همه جانبه موضوعی چندبعدی و تربیت سیاست گذاران متخصص چندحرفه ای دارد. نمونه خوب استفاده



از این روش را می‌توان در برنامه‌کارشناسی‌ارشد «اقتصاد فناوری اطلاعات و ارتباطات» (IT) مشاهده کرد (پیوست ۴) که در آن، موضوعی چندبعدی، مانند فناوری اطلاعات و ارتباطات، از منظر چند رشته بررسی و تحلیل می‌شود. برخی از درس‌های این رشته را، که با نگرشی چندرشته‌ای سازمان یافته است، در جدول ۴ مشاهده می‌فرمایید.

جدول ۴. برخی عناوین درسی رشته فرضی کارشناسی‌ارشد «اقتصاد فناوری اطلاعات و ارتباطات»

خصوصی‌سازی و مقررات در فناوری اطلاعات و ارتباطات
مدیریت و سازمان در فناوری اطلاعات و ارتباطات
سیاست‌های تجاری و بازارهای بین‌المللی فناوری اطلاعات و ارتباطات
مدیریت پروژه‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات
حسابداری صنعتی در فناوری اطلاعات و ارتباطات
مسائل بانکی و بیمه در فناوری اطلاعات و ارتباطات
بازاریابی و تولید در فناوری اطلاعات و ارتباطات
مهندسی فناوری اطلاعات و ارتباطات
تأمین مالی و سرمایه‌گذاری خارجی در پروژه‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات
نقش فناوری اطلاعات و ارتباطات در توسعه اقتصادی
اقتصاد فناوری اطلاعات و ارتباطات ایران
حقوق اطلاعات و ارتباطات

۲-۴. برنامه‌ریزی تلفیقی چندرشته‌ای متقاطع (Cross-Disciplinarity)

این رویکرد که «طراحی براساس گذر از رشته‌ها» نیز نامیده شده است، رویکردی است که در آن، رشته یا رویکردی روش‌شناختی یا حیطه‌ای موضوعی را از دیدگاه تحلیلی و روش‌شناسی و در قالب الفاظ رشته تخصصی دیگر مطالعه می‌کنند (Dorman, 2005). مثال‌های معروف در این نوع از برنامه‌ریزی درسی، ترکیب اضافی (مضاف و مضاف‌الیه) رشته‌ها یا ترکیب موضوعات به‌عنوان مضاف‌الیه با رشته‌ها به‌عنوان مضاف است، مانند: «فیزیک موسیقی» یا «سیاست ادبیات». امروزه، این نوع از طراحی درسی در مقاصد آموزشی که در پی نگاهی بیرونی به یک رشته و مبادی و اصول حاکم بر آن و رفتار جمعی عالمان آن و همچنین در پی دستیابی به توصیف‌هایی پسینی یا توصیه‌هایی پیشینی از آن است، کاربرد وسیع و فراگیر دارد.



براساس هر رشته تحصیلی، دروس مضافی مانند فلسفه‌های مضاف، تاریخ‌های مضاف، جامعه‌شناسی‌های مضاف و... نمونه‌هایی از این مقوله است که نقش مهمی را به‌عنوان کاتالیزور در کار تلفیق ایفا می‌کنند. مثلاً، می‌توان برنامه‌های درسی مبتنی بر فلسفه‌های مضاف مانند فلسفه اقتصاد، فلسفه دین، فلسفه فقه یا عناوینی همچون جامعه‌شناسی علم سیاست (نه جامعه‌شناسی سیاسی) و جامعه‌شناسی علم اقتصاد را نام برد.

۲-۴-۱. محاسن

از محاسن این رویکرد می‌توان به سادگی تام آن اشاره کرد که به‌راحتی می‌توان آن را بین حداقل دو رشته علمی طراحی کرد. مثلاً، با آشنایی لازم با روش‌شناسی و مبادی حاکم بر رشته تاریخ و آشنایی با موضوعات و جریان‌های علم، به‌راحتی می‌توان رشته «تاریخ علم» را طراحی کرد.

۲-۴-۲. دلالت کاربردی رهیافت چندرشته‌ای متقاطع در رشته اقتصاد

براساس این رویکرد، در دانشکده‌های اقتصاد، علاوه بر اینکه می‌توان در مقاطع تکمیلی و دکتری، رشته‌های خاص و کاربردی طراحی کرد، می‌توان برنامه‌های موجود را نیز تقویت و تکمیل نمود. به‌عبارت دیگر، در مقاطع مختلف تحصیلی، با در نظر گرفتن چند واحد درسی می‌توان تحلیل‌ها و مطالعات برون‌رشته‌ای را درباره کارکردها و مسائل علم اقتصاد مطرح کرد. نمونه‌های کاربردی استفاده از این رویکرد در برنامه‌های درسی رشته اقتصاد را می‌توان در دو دسته خلاصه کرد:

دسته اول، درس‌ها و رشته‌های مضاف هستند که اغلب بر کلیت رشته اقتصاد یا جریان‌های اقتصادی متمرکز می‌شوند. مانند فلسفه‌های مضاف، تاریخ‌های مضاف، جامعه‌شناسی‌های مضاف ناظر بر اقتصاد.

دسته دوم مجموعه برنامه‌ها یا درس‌هایی است که کلیت رشته‌ای مرجع (یعنی رشته موصوف) به موضوعات اقتصادی می‌پردازد که از آن‌ها به «اقتصادهای صفت» یاد می‌کنیم. در جدول ۵، از برخی عناوین درس‌ها یا حوزه‌های پژوهشی حاصل از رهیافت چندرشته‌ای متقاطع در دو دسته گفته‌شده نام برده‌ایم.



جدول ۵. برخی عناوین درسی و مطالعاتی چندرشته‌ای متقاطع متناسب با رشته اقتصاد

ترکیب‌های مضاف	ترکیب‌های صفت
جامعه‌شناسی علم اقتصاد	فلسفه اقتصادی
جامعه‌شناسی رفتار اقتصاددانان	جامعه‌شناسی اقتصادی
جامعه‌شناسی جهانی‌شدن	رفتارشناسی اقتصادی
تاریخ علم اقتصاد	حقوق اقتصادی
فلسفه اقتصاد	روان‌شناسی اقتصادی
هستی‌شناسی اقتصاد ^۱	انسان‌شناسی اقتصادی
معرفت‌شناسی اقتصاد ^۲	مردم‌شناسی اقتصادی
روش‌شناسی اقتصاد ^۳	فرهنگ اقتصادی
ارزش‌شناسی اقتصاد ^۴	نهادشناسی اقتصادی
غایت‌شناسی اقتصاد ^۵	مدیریت اقتصادی

۲-۵. برنامه‌ریزی تلفیقی چندرشته‌ای متکثر (Pluri-Disciplinarity)

این نوع طراحی، با طراحی بین‌رشته‌ای رشته‌هایی ممکن می‌شود که ارتباط بیشتری با هم دارند. لذا، وجود ادبیاتی مشترک یا روش‌شناسی مشترک همراه با همگونی مفاهیم در دو عرصه علمی لازمه این‌گونه طراحی است. نمونه عملی آن را در طراحی دروس ریاضی و فیزیک یا ریاضی و اقتصاد در قالب اقتصاد ریاضی می‌توان مشاهده کرد که با تلفیق بین این دو رشته، می‌توان نظم منطقی و محتوایی لازم را در طرحی منسجم برقرار کرد. در این نوع طراحی، نقاط قوت هر یک از رشته‌ها، در پیشرفت دیگری مؤثر واقع می‌شود و قدرت درک ارتباط بین دو حوزه علمی مشترک را در دانشجو تقویت می‌کند.

۲-۵-۱. دلالت کاربردی رهیافت چندرشته‌ای متکثر در رشته اقتصاد

اغلب اقتصادهای موصوف، که در جدول ۶ ملاحظه می‌کنید، از این قبیل است. در اقتصادهای موصوف، رشته‌ای الحاقی با کلیت علم اقتصاد تلفیق شده است که البته، این تلفیق در برخی از آنها از نظر موضوع، در برخی دیگر از نظر رهیافت و در برخی دیگر هم از نظر روش بیشتر است.

1. Ontology of Economics
2. Epistemology of Economics
3. Methodology of Economics
4. Axiology - Ethology of Economics
5. Teleology of Economics



فصلنامه علمی-پژوهشی

۷۳

گونه‌شناسی رهیافت‌های
تلفیقی در ...

جدول ۶. برخی عناوین درسی و مطالعاتی چندرشته‌ای متکثر متناسب با رشته اقتصاد

اقتصاد فیزیکی ^۱
اقتصاد شهری و روستایی
اقتصاد سیاسی
اقتصاد منطقه‌ای جهانی
اقتصاد ریاضی
اقتصاد اجتماعی
اقتصاد عصبی ^۲
اقتصاد مهندسی
اقتصاد پزشکی
اقتصاد مدیریت
اقتصاد مالی

۶-۲. برنامه‌ریزی تلفیقی فرارشته‌ای (Supra-Disciplinarity / Trans-Disciplinarity)

رویکردهایی که تاکنون بدان‌ها اشاره کردیم، همگی ماده یا موضوع درسی را به‌عنوان مدخل و جهت‌دهنده اصلی فرآیند یاددهی/یادگیری در نظر می‌گرفتند و تفاوت اساسی آن‌ها در جهت‌گیری آموزشی حاکم بر آن‌ها، که در جدول ۱ متصور بود، خلاصه می‌شد. به این معنا که پیشبرد آموزشی در آن جدول، به‌طور افقی، قائم، مورب یا ترکیبی از آن‌ها بود. در اینجا، می‌توان رویکرد دیگری را نیز مطرح کرد که بر ساختار منطقی و موضوعات مرسوم در هر حیطه علمی متمرکز نمی‌شود. این رویکرد با قراردادادن یادگیرنده و مهارت‌های گوناگون وی در کانون توجه، ساختار جامعی از فعالیت‌ها و قابلیت‌های سه‌گانه فرآیند یادگیری (شناختی، گرایشی و مهارتی رفتاری) را ماورای موضوعات، جانشین ساختار منطقی و موضوعی علوم در حیطه رشته‌ها می‌کند و این ساختار را فرع بر آن اصل قرار می‌دهد. البته، تعیین آن دسته از فعالیت‌ها و قابلیت‌های اشاره‌شده، به مقاصد آموزشی طراحان و خواسته‌های آنان از دوره‌ها و برنامه‌ها برمی‌گردد و در سیاست‌های کلان آموزشی حاکم بر برنامه متجلی می‌شود. لذا، اهداف و استراتژی‌های کلان، نقش اساسی را در این زمینه ایفا می‌کند.

جدول ۷ اساس کار این رویکرد و نوع تعامل قابلیت‌های مختلف با ساختارهای رشته‌ها را نشان می‌دهد. این رویکرد با توجه به نوع حرکت در جدول، در مسیرهای افقی، قائم و مورب، حداقل به سه صورت تصور می‌شود:

1. Econophysics
2. Neuroeconomics



فصلنامه علمی-پژوهشی

۷۴

دوره دوم
شماره ۱
زمستان ۱۳۸۸

جدول ۷. فهرستی از قابلیت‌های شناختی، گرایشی و مهارتی مدنظر در برنامه‌ریزی فرارشته‌ای

رشته‌های تخصصی				برخی از انواع قابلیت‌های شناختی، گرایشی و مهارتی
D	C	B	A	
				برقراری ارتباط (دریافت) برقراری ارتباط (گسیل) واکنش نسبت به محیط تعبیر و تفسیر انطباق یافتن پیش‌بینی یادگیری تصمیم‌گیری انتخاب قضاوت توان مقابله عمل کردن به‌کار بستن حل مسئله ارائهٔ خلاقانه تبدیل کردن (دگرگون کردن) سازمان‌دهی، اداره کردن تشریح کردن و توضیح دادن مجمل‌سازی اثبات



۲-۱. فرارشته‌ای افقی (Horizontal supra-disciplinary)

ایجاد یک یا چند مهارت شناختی یا گرایشی یا مهارتی با توجه به و با استفاده از موضوعات و موقعیت‌های گوناگون برگرفته از حوزه‌ها و رشته‌های متعدد و درعین حال، توجه کردن به شیوه «میان‌رشته‌ای»، رویکرد ما را به «فرارشته‌ای افقی» مبدل می‌کند. این رویکرد هر چند با جزئی‌نگری رشته‌ای مقابله می‌کند و باعث انتقال آموخته‌ها به حوزه‌های گوناگون می‌شود، ولی سازمان‌دهی قابلیت‌ها و نقش‌های واحد از رشته‌های مختلف، در تمامی حالت‌ها و همیشه، ممکن نیست و چه بسا، موجب کنار هم قرار گرفتن فعالیت‌های بسیار متفاوت و ناهماهنگ در برنامه‌ای درسی شود. مثلاً، قابلیت‌های مختلفی همچون خلاقیت یا قضاوت در رشته‌ای درسی، بسیار به هم نزدیک‌ترند تا کسب مهارت قضاوت در دو حیطهٔ ریاضی و هنر! همچنین مهارتی خاص را در همهٔ رشته‌ها بالسویه نمی‌توان جست‌وجو کرد. باین حال، در صورت امکان، این رویکرد کارایی بسیار مؤثری در خلق و ایجاد نقش‌ها و قابلیت‌های مدنظر در مقاصد آموزشی دارد.

۲-۶-۲. فرارشته‌ای قائم (Vertical Supra-Disciplinarity)

همچنین می‌توان جدول ۷ را به‌طور قائم نیز پیمود. در این رویکرد طراحی برنامه‌ی درسی، تلاش می‌کنند تا با بهره‌گیری از ساختار یکی از نظام‌های رشته‌ای یا تلفیقی از ساختار چند نظام رشته‌ای، فرصت‌ها و موقعیت‌های مناسب را برای پرداختن به مجموعه‌ای از مهارت‌ها و فعالیت‌های مرتبط را جست‌وجو و در برنامه‌ی آموزشی سازمان‌دهی کنند. معمولاً در این رویکرد، متخصص نظام درسی با همکاری متخصص تعلیم و تربیت، برنامه‌ای طراحی می‌کنند که در آن، یادگیرنده طیف تعریف‌شده‌ای از فعالیت‌ها و مهارت‌های شناختی و گرایشی و رفتاری را، با توالی مناسبی در نظام رشته‌ای خاص، کسب کند. در واقع، حوزه‌ی علمی در این رویکرد، فقط همچون منبعی برای زمینه‌ها و دستورات عمل‌های مربوط به مجموعه‌ای از فعالیت‌های علمی عمل می‌کند و نقش چارچوب و ساختار را برای انتخاب آن موقعیت‌ها ایفا می‌کند.

رویکرد «فرارشته‌ای قائم» ضمن اینکه تغییری بنیادین در مقاصد تعلیم و تربیت ایجاد می‌کند، تغییر اساسی و برهم‌زننده‌ای در چارچوب برنامه‌های آموزشی و ساختارهای آن به‌وجود نمی‌آورد. از این روی، این رویکرد، رویکردی انقلابی به‌شمار می‌رود. در عین حال، اشکالاتی نیز بر آن وارد شده است. مثلاً، از هم‌سویی و قرابت تام با یک‌سویه‌نگری‌های نظام رشته‌ای و فقدان یکپارچگی در انتقال آموخته‌ها به حوزه‌های مختلف واقعی و عینی، به‌عنوان برخی اشکال‌ها نام برده‌اند. لذا، مثلاً یادگیری مهارت قضاوت در حیطه‌ی ریاضی این اطمینان را فراهم نمی‌کند که یادگیرنده توان لازم را برای قضاوت درباره‌ی مسائل اجتماعی پیدا کند.

۲-۶-۳. فرارشته‌ای مورب (Oblique Supra-Disciplinarity)

برخلاف رویکرد فرارشته‌ای قائم، این رویکرد با رهیافتی چندرشته‌ای، در پی فرصت‌هایی از رشته‌های مختلف است تا مهارت‌های خاص و مشخصی را در شخص یادگیرنده محقق کند. در این نوع از طراحی، هرچند یادگیرنده با انواع فعالیت‌ها و مهارت‌ها در قالب انواع نظام‌های رشته‌ای آشنا می‌شود، ولی نظام‌های رشته‌ای در آن، نقش ثانوی را ایفا و صرفاً، از آن‌ها به‌عنوان منبعی برای مفاهیم و موقعیت‌ها و موضوعات استفاده می‌کنند، نه به‌عنوان چارچوبی سازمان‌دهنده. رعایت مسئله «تعادل» و «ترکیب مناسب» بین انواع گوناگون فعالیت‌ها مسئله مهم این رویکرد است که باید این مسئله را در سیاست‌های آموزشی حاکم بر آن مدنظر قرار دهند.



۲-۶-۴. دلالت کاربردی رهیافت فرارشته‌ای در رشته اقتصاد

از مقایسهٔ اجمالی برنامه‌های درسی موجود در مقاطع دانشگاهی رشته اقتصاد با برنامه‌های مشابه دانشگاه‌های معتبر دنیا، به جرئت می‌توان گفت که برنامه‌های ایرانی رشته اقتصاد، چندان در تربیت مهارت‌های چهارگانهٔ زیر (NA, 1999) موفق نبوده است:

- مهارت تفکر و عمل نقاد^۱ (Raveaud, 2001)؛
- مهارت حل مسئله (Dorman, 2005)^۲؛
- مهارت تصمیم‌گیری^۳؛
- مهارت تفکر و استدلال تحلیلی^۴ (Feiner, 1995).

با این پیش‌فرض، تصور کنید در برنامه‌ریزی آموزشی رشته اقتصاد و در اهداف و مقاصد کلان آموزشی، تأکید کرده‌اند که لازم است مهارت‌های حل مسئله، تصمیم‌گیری، خلاقیت و نوآوری دانشجوی این رشته تقویت شود و ارتقا یابد. در این صورت، در قالب درس یا درون سرفصل‌های درسی مرسوم در اقتصاد، می‌توان در پی تحقق این قابلیت‌ها بود. مثلاً، در درس اقتصاد توسعه یا اقتصاد سیاسی به مسئلهٔ فساد و رانت‌خواری می‌پردازند. در این درس‌ها، باید برای طرح چارچوب‌های تحلیلی و روشی ناظر بر قابلیت‌های پیش‌گفته با استفاده از یک رشته (مثل) یا یک مهارت از چند رشته (مانند مهارت‌های حل مسئله و اتخاذ راهبرد از علم پژوهش عملیاتی یا نظریهٔ بازی‌ها) یا تحقق تمامی این قابلیت‌ها با استفاده از چند علم مدیریت استراتژیک تلاش کرد. در این تلاش، باید سیاست‌گذاری عمومی و پژوهش عملیاتی و نظریهٔ بازی‌ها و علم برنامه‌ریزی را پیگیری کرد. همچنین با گونه‌شناسی انواع رویکردهای موجود در این رشته‌های مختلف، برای حل مسئلهٔ مزبور و شیوه‌های اتخاذ تصمیم و مدیریت رفتارها، باید از دانشجو خواست که نسبت به وضعیت‌های مختلف و نمونه‌های دیگر بیندیشد. در این حال، نظام آموزشی درس اقتصاد توسعه به ترتیب سه رویکرد فرارشته‌ای قائم، فرارشته‌ای مورب و فرارشته‌ای افقی را تجربه کرده است.



1. Critical Thinking & Action
2. Problem Solving
3. Decision Making
4. Analytical Thinking

۳. جمع‌بندی

در این مقاله، سعی شد تا با معرفی مختصر و مؤثر انواع رهیافت‌های تلفیقی مطرح شده توسط متخصصان دانش برنامه‌ریزی درسی و ارائه دلالت‌های کاربردی این رهیافت‌ها در برنامه‌ریزی درسی رشته اقتصاد، بر نکات زیر تأکید شود:

۱-۳. سعی کردیم نشان دهیم که گستره منابع و ظرفیت دانش برنامه‌ریزی درسی برای ارتقای برنامه‌های درسی دانشگاه‌ها و دستیابی به برنامه‌های درسی و آموزشی اسلامی ایرانی و بومی مغفول مانده است. متأسفانه، در محافل علمی و تخصصی نیز فقط از عنوان «میان‌رشته‌ای» نام می‌برند و گستره بحث و قابلیت‌های بالای تک‌تک آن‌ها را فراموش می‌کنند.

۲-۳. هرچند در این مقاله، دلالت‌ها و ظرفیت‌های رهیافت‌های تلفیقی در طراحی برنامه‌های درسی رشته اقتصاد مدنظر و توجه نگارنده بوده است، اما از ظرفیت‌های بالای این رهیافت‌ها در طراحی برنامه‌های پژوهشی تلفیقی در حوزه پژوهش‌های اقتصادی نیز نباید غافل ماند. البته، بررسی این ظرفیت‌ها خود مقاله‌ای جداگانه و مفصل می‌طلبد. در اینجا، به همین نکته بسنده می‌کنیم که خواننده محترم قطعاً، با ما هم‌رأی است که ورود این موضوعات به مباحث پژوهشی اقتصادی و استفاده مؤثر و صحیح نهادهای آموزشی و پژوهشی مربوط از آن‌ها باعث انقلابی در این موضوعات و جابه‌جایی مرزهای این دانش (در عناوینی مشابه عناوینی که ذکر شد) در ایران و حل مسئله‌های پیش رو خواهد شد.

۳-۳. در این نوشته، نمونه‌های مذکور طبق اقتضا و ویژگی‌های رهیافت محل بحث، شامل کلیت رشته یا گرایشی از رشته یا انواع درس‌های ممکن و متصور از برنامه رشته اقتصاد بوده است. اما باید تصریح کرد که چه‌بسا برنامه یا حتی درسی از برنامه رشته ممکن است، و بلکه طبق موضوع مدنظر، باید، بیش از یک رهیافت داشته باشد. بدین ترتیب، در عمل، اتصاف کلیت برنامه به یکی از رویکردهای تلفیقی (جز درون‌رشته‌ای موازی) بسیار مشکل و نادر است. در عوض، اطلاع از این رهیافت‌ها و کاربرد مؤثر آن‌ها، کتاب‌های درسی و درس‌نامه‌های آموزشی پژوهش‌محور را برای رشته‌های اقتصاد به ارمغان خواهد آورد.

۴-۳. سعی کردیم نشان دهیم که به‌کارگیری این رهیافت‌ها چگونه زمینه بروز و تبلور مفاهیم چندوجهی را در برنامه‌های درسی اقتصاد و امکان بهره‌گیری ادبیات جدید دانش اقتصادی را از سایر علوم و معارف فراهم می‌آورد.

۵-۳. نهضت نرم‌افزاری و تولید علم، مدنظر مقام معظم رهبری و نیاز عرصه‌های علمی و



مدیریت و سیاست‌گذاری کشور است. این نهضت به داشتن سیستم‌ها و نظام‌های معرفتی مؤثر و کارا و شناسا و منسجمی منوط است که اولاً، بر معارف و ارزش‌های اصیل اسلامی مبتنی باشد. ثانیاً، توان شناسایی واقعیت‌های امروز کشور و ارائه راه‌حل برای مشکلات چندوجهی و پیچیده را داشته باشد. این مهم جز با تربیت دانش‌آموختگان مؤثر و کارآمد ممکن نیست که خود منوط است به مهندسی مجدد برنامه‌های درسی موجود در دانشگاه‌ها به‌ویژه در عرصه علوم انسانی.

دانش‌آموختگان دانشگاه سرمایه‌های انسانی محسوب می‌شوند که نقش بسزایی در توسعه و پیشرفت کشور بر عهده دارند. پرواضح است که دقت در برنامه درسی آن‌ها موجب کارآمدی و اثربخشی بیشتر این سرمایه‌ها خواهد بود. از این رو، به جرئت می‌توان گفت که کاربرد طراحی و اجرای رویکردهای تلفیقی، به‌ویژه در برنامه‌های درسی رشته‌های علوم انسانی، از جمله اقتصاد، تأثیر مهمی در توسعه علمی و اجرایی کشور و سرعت‌بخشی به نهضت نرم‌افزاری، مخصوصاً در علوم انسانی، و حل مشکلات و مسائل فراروی عرصه‌های علمی و اجرایی کشور خواهد داشت. بدین‌منظور به مسئولان و سیاست‌گذاران ارشد علمی کشور و دانشکده‌ها و انجمن‌های علمی پیشنهاد می‌کنیم تا با سرمایه‌گذاری در شناسایی و جذب و تربیت و ارتقای چند نفر در هر رشته و تمرکز ایشان بر مسائل ناظر به طراحی‌های برنامه درسی و آموزشی، راهی برای برون‌رفت از رکود فعلی در مسئله پویایی و تحول و نوآوری رشته‌های علمی فراهم آورند و خلاً و کمبود دهه‌های گذشته و حال را برطرف کنند.



منابع

- دنو، ۱۳۷۷، «طراحی برنامه‌ها و مواد آموزشی به شیوه تلفیقی و میان‌رشته‌ای»، ترجمه مرتضی خلخالی، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، سال ۲، شماره ۲.
- قورچیان، ن. ۱۳۷۴، «شقوق مختلف جهت طراحی برنامه درسی، مرکز ملی تحقیقات مهندسی ژنتیک و تکنولوژی زیستی.
- قورچیان، ن. ۱۳۷۸، «چارچوب نظری و اقدامات عملی در خصوص طراحی برنامه درسی دکترای بیوتکنولوژی»، نشریه کمیسیون بیوتکنولوژی.
- مهر محمدی، م. ۱۳۸۸، «ملاحظات اساسی در باب سیاست‌گذاری توسعه برنامه درسی میان‌رشته‌ای در آموزش عالی از منظر فرایند تکوین»، فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای، سال ۱، شماره ۳، صص ۱-۱۸.
- Ault, D. & G. Rutman (1978) "The Role of Economics in Interdisciplinary and Problem-Oriented Programs", *The Journal of Economic Education*, Vol. 9, No. 2 PP. 96-101.
- Dorman, P. (2005) "Doctrine-centered versus problem-centered economics", from the *European Association for Evolutionary Political Economy's Newsletter*, www.paecon.net/PAEtexts/Dorman1.html.
- Drakopoulos, Stavros A. (1994) "Economic Method and the Scientific Philosophy of Contemporary Physics", *Journal of Interdisciplinary Economics*, Vol. 5, No. 1. http://www.btinternet.com/~pae_news/review/issue12.htm.
- Feiner S. & B. Roberts (1995) "Using an Alternative Paradigm to Teach Race, Gender and Critical Thinking", *The American Economic Review*.
- Feiner S. & R. Bartlett (1992) "Balancing the Economics Curriculum: Method, Content and Pedagogy" *The American Economic Review*.
- Feiner, S. (2002) "Toward a Post-Autistic Economics Education", post-autistic economics review, issue no. 12, March 15, article 2. http://www.btinternet.com/~pae_news/review/issue12.html.
- Journal of Interdisciplinary Economics*, <http://www.jie.org.uk/home.html>
- Kockelmans, Joseph J. (1998) "Why Interdisciplinarity?", William H. Newell, ed. *Interdisciplinarity: Essays from the Literature*. New York: College Entrance Examinations Board, PP. 67-96.
- NA (1991) "Critical Thinking and Decision-Making Skills through Economic Education, Prospectus, Agency for Instructional Technology", Box A, Bloomington, www.eric.ed.gov/ERICDocs/data/ericdocs2sql/content_storage_01/0000019b/80/24/01/8d.pdf.
- Raveaud, G. (2001) "Teaching Economics Through Controversies", *Post-autistic Economics Newsletter*: issue no. 5, March, article 6. http://www.btinternet.com/~pae_news/review/issue6.html.
- Sallyanne, D. (2006) "Interdisciplinary Curriculum Development: the redesign of an Economics module", *Investigations in university teaching and learning*, vol. 4 (1) autumn ISSN 5106 - 1740.



- Smith, A. (2003) "Through the Interdisciplinary Looking Glass: The Rhetoric of Curriculum Change". *Perspectives*, 1(6), Retrieved from: <http://www.brookes.ac.uk/schools/humanities/research/perspectives/i1-6/lookingglass.html>.
- Smith, Alvin H. F. (2001) "Interdisciplinary Curriculum as Complementary Practice: A Philosophical Perspective", *Campbell Monograph Series on Education and Human Sciences* 2. PP. 33-42.
- Susan D. and Rebecca Burns (2004) "Meeting standards through integrated curriculum", Alexandria, Va.: Association for Supervision and Curriculum Development.
- Weber, P. (1978) "Economics in Interdisciplinary Courses", *The Journal of Economic Education*, Vol. 10, No. 1, PP. 55-56, Publisher: Heldref Publications, Stable URL: <http://www.jstor.org/stable/1182170>.
- Wineburg, S. & Pam Grossman, eds. (2000) *Interdisciplinary Curriculum: Challenges to Implementation*, New York: Teachers College.



فصلنامه علمی-پژوهشی

۸۱

گونه‌شناسی رهیافت‌های
تلفیقی در ...

پیوست ۱. فهرست برخی از دانشگاه‌های معتبر برگزارکننده رشته اقتصاد، فلسفه و سیاست (PPE)

مقطع تحصیلی	عنوان رشته	دانشگاه
BA	فلسفه، سیاست و اقتصاد (PPE)	آکسفورد
BA	فلسفه، سیاست و اقتصاد (PPE)	کالج سامر وایل
BA	فلسفه، سیاست و اقتصاد (PPE)	کالج پمبروک
BA	فلسفه، سیاست و اقتصاد (PPE)	کالج لینکلن
BA	فلسفه، سیاست و اقتصاد (PPE)	کالج مرتن
BA	فلسفه، سیاست و اقتصاد (PPE)	کالج اوریل
BA	فلسفه، سیاست و اقتصاد (PPE)	کالج کلیسای مسیحی
BA	فلسفه، سیاست و اقتصاد (PPE)	کالج هرت فورد
BA	فلسفه، سیاست و اقتصاد (PPE)	کالج ورکستر
BA	فلسفه، سیاست و اقتصاد (PPE)	کالج کبل
BA	فلسفه، سیاست و اقتصاد (PPE)	دانشگاه وارویک
MA	فلسفه، سیاست و اقتصاد (PPE)	دانشگاه یورک
Certificate degree	فلسفه، سیاست و اقتصاد (PPE)	دانشگاه دورهام
BA	فلسفه، سیاست و اقتصاد (PPE)	دانشگاه UEA
BA	فلسفه، سیاست و اقتصاد (PPE)	دانشگاه منچستر
BA	فلسفه، سیاست و اقتصاد (PPE)	دانشگاه پن
BA	فلسفه، سیاست و اقتصاد (PPE)	دانشگاه دنیسون
BA	فلسفه، سیاست و اقتصاد (PPE)	دانشگاه استرلینگ
Sc .B	فلسفه، سیاست و اقتصاد (PPE)	دانشگاه کیپ تاون
BA	فلسفه، سیاست و اقتصاد (PPE)	دانشگاه اسکس
BA	فلسفه، سیاست و اقتصاد (PPE)	دانشگاه کارولینای شمالی
BA	فلسفه، سیاست و اقتصاد (PPE)	دانشگاه لنکستر
BA	فلسفه، سیاست و اقتصاد (PPE)	دانشگاه اوتاگو
BA	فلسفه، سیاست و اقتصاد (PPE)	دانشگاه کینگ
BA	فلسفه، سیاست و اقتصاد (PPE)	دانشگاه این
BA	فلسفه، سیاست و اقتصاد (PPE)	دانشگاه براون
BS and BA	فلسفه، سیاست و اقتصاد (PPE)	دانشگاه آلاباما
BA	فلسفه، سیاست و اقتصاد (PPE)	دانشگاه بریتیش کلمبیا
BA	فلسفه، سیاست و اقتصاد (PPE)	دانشگاه وایکاتو



فصلنامه علمی-پژوهشی

۸۲

دوره دوم
شماره ۱
زمستان ۱۳۸۸

پیوست ۲. عناوین درسی رشته PPE دانشگاه‌های سراسر دنیا

فلسفه	سیاست	اقتصاد
کلیات فلسفه	مقدمه علم سیاست	اقتصاد خرد
فلسفه اخلاق	دموکراسی در نظریه و عمل	اقتصاد کلان
منطق مقدماتی	نظریه‌سازی حکومت دموکراتیک	ریاضی و آمار
تاریخ فلسفه	تحلیل نهادهای دموکراتیک	اقتصاد بین‌الملل
فلسفه فراکانتی	دولت و سیاست انگلستان	اقتصاد کشورهای در حال توسعه
قرارداد اجتماعی	نظریه علم سیاست	اقتصاد خانواده
نظریه قرارداد اجتماعی	روابط بین‌الملل	سازمان‌دهی صنعتی
ماهیت استدلال	جامعه‌شناسی عمومی	اقتصاد و حقوق
عدالت طبیعی	تفکر سیاسی فمینیستی	مقدمه نظریه تصمیم‌گیری
عدالت جهانی	نظام‌های تصمیم‌گیری پیشرفته	نظریه بازی‌ها
فلسفه و قانون اساسی	اقتصاد سیاسی و روابط بین‌الملل	روش‌های تحلیلی در اقتصاد و حقوق و پزشکی
زبان تفکر و واقعیت	چالش‌های سیاست جهانی	بازار، اخلاق و آینده کاپیتالیسم
مقدمه‌ای بر تفکر نقاد و علوم اجتماعی	سیاست تطبیقی	اقتصاد سیاسی بین‌الملل
مقدمه‌ای بر فلسفه	سیاست در جهان سوم	برابری و عدالت توزیعی
منطق و معرفت‌شناسی	فلسفه سیاسی معاصر	تاریخ اندیشه اقتصادی
فلسفه روان‌شناسی و ذهن	دموکراسی، تغییرات اجتماعی و توسعه	بازارها، اخلاق و کاپیتالیسم
اخلاق و تاریخ فلسفه جدید	تحلیل سیاسی	تحلیل اقتصادی حقوق
معرفت‌شناسی، متافیزیک و فلسفه علوم اجتماعی	تحلیل سیاست‌های اجتماعی	تجارت بین‌الملل کاربردی و چانه‌زنی اقتصاد و توسعه
فلسفه محیط زیست	اقتصاد بین‌الملل و سیاست‌گذاری اقتصادی	صنعتی‌سازی قرن بیستم
فلسفه حقوق	حکومت و اجتماع	روش‌های کمی در اقتصاد
فلسفه ذهن و زبان	تاریخ نظریات تساهل و تسامح	همکاری و تعاون
معرفت‌شناسی و متافیزیک	عقل و قدرت در اندیشه سیاسی اروپا	کلیات اقتصاد
نظریات و ایدئولوژی‌ها	دولت و اجتماع در چشم‌انداز بین‌الملل	تأمین مالی شرکت‌ها
دانش و واقعیت	تحلیل‌های معاصر در تساهل و تسامح	ارزیابی طرح‌های توسعه
عقل، دانش و جامعه	نظریات و سیاست‌های توسعه دولتی	تحلیل هزینه و سود
مباحث اساسی در فلسفه	تحلیل سیاست‌های اجتماعی	اقتصاد اتحادیه اروپا
ملاحظات فلسفی اخلاقیات	مدیریت و شکل‌گیری دولت‌های ملی و محلی	اقتصاد تجربی
فلسفه، جامعه و سیاست	رفتار و نهادهای سیاسی امریکا	اقتصاد صنعتی
مطالعات فلسفه	توسعه اندیشه سیاسی (از ماکیاوولی تا میل)	اقتصاد کار
مباحثی در فلسفه، سیاست و اجتماع	توسعه اندیشه سیاسی (از مارکس تا زمان معاصر)	اقتصاد بخش عمومی



فصلنامه علمی-پژوهشی

۸۳

گونه‌شناسی رهیافت‌های
تلفیقی در ...



فلسفه	سیاست	اقتصاد
مقدمه‌ای بر مفاهیم فلسفه سیاست	سیاست در انگلستان	مالیه عمومی
مقدمه‌ای بر فلسفه تطبیقی دولت‌های توسعه‌یافته	مفاهیم و نظریات سیاسی	نظریه تأمین مالی
فلسفه تطبیقی ملل در حال توسعه	متفکران بزرگ سیاسی	تحلیل مقایسه‌ای نقل و انتقال نیروی کار
اصالت عقلانیت و اصالت تجربه	مطالعات سیاست فرانسه	مبانی اقتصاد سیاسی در قلمروی جهانی
تفکر نقاد (انتقادی)	مطالعات سیاست آلمان	روش‌های اقتصادی
فلسفه کلاسیک	تاریخ و سیاست	عناصر علم اقتصاد
عقاید فلسفی قرن ۱۹ و ۲۰	فرهنگ، جامعه و سیاست اروپا	حسابداری مالی
فلسفه علم	سیاست جهانی	تفکر در باب تجارت
فلسفه باستان (عهد عتیق)	تاریخ و روابط بین‌الملل	اقتصاد و روابط بین‌الملل
متافیزیک	روابط بین‌الملل و مطالعات استراتژیک	اقتصاد و جغرافیا
فلسفه قرن معاصر	مطالعات صلح و روابط بین‌الملل	اقتصاد تجاری امریکای شمالی و استرالیا
عقلانیت کاربردی	احزاب و گروه‌های سیاسی	پول و اجتماع (مقدمه‌ای بر اقتصاد اجتماعی)
مسائل فلسفی در علوم اجتماعی و علوم طبیعی	تولید ملی و سیاست	جهانی‌سازی و چالش‌های اجتماعی
اخلاق کاربردی	ملی‌گرایی و اتحاد رسانه، دموکراسی و جامعه	توسعه اقتصادی و تحولات اجتماعی
ارزش‌ها و نهادها	نظریه‌های سیاسی و سیاست‌های تطبیقی	توسعه تطبیقی
نظریه اخلاقی	تاریخ و نظریه اجتماعی	اقتصاد رفتاری
اخلاق زیستی	عقاید سیاسی مدرن	فلسفه و اقتصاد سیاسی
تفکر اخلاقی	نظریه جامعه‌شناسی	Communication and Leadership
علم اخلاق	مقدمه‌ای بر اندیشه سیاسی	روش‌های تحقیق
اخلاق و ارزش‌ها	اخلاق و سیاست عمومی	Cooperation and Punishment
اخلاق و حرفه (اخلاق پزشکی، اخلاق شرکتی)	تحولات و نظم اجتماعی	مدیریت دولتی و اجرایی
قضاوت و تصمیم	تاریخ، فلسفه و سیاست	
منطق فعالیت جمعی	حقوق اساسی	

پیوست ۳. فهرست برخی دانشگاه‌های برگزارکننده دوره اقتصاد سیاسی

مقطع	عنوان رشته	دانشگاه
Ph.D MBA	اقتصاد سیاسی تحلیل‌های اقتصادی و سیاست‌گذاری	استنفورد
Ph.D	اقتصاد سیاسی	سیدنی
Ph.D	جغرافیای اقتصاد سیاسی	بریستول
BA	اقتصاد سیاسی جوامع صنعتی	برکلی
MA	اقتصاد سیاسی بین‌الملل حکمرانی و سیاست‌گذاری عمومی	شیفیلد
MA	اقتصاد سیاسی توسعه بین‌المللی	تورنتو
MA	اقتصاد سیاسی	اسپرینگ آرپور
MA	اقتصاد سیاسی بین‌الملل	sound-Puget
MA	اقتصاد سیاسی بین‌الملل	ساسکس
MA	سیاست‌گذاری عمومی و اقتصاد سیاسی اقتصاد کاربردی	تگزاس و والاس
MPHIL	مطالعات سیاست‌گذاری	برونشوئیک
MA	مطالعات بین‌الملل (اقتصاد سیاسی)	آریزونا



فصلنامه علمی-پژوهشی

۸۵

گونه‌شناسی رهیافت‌های
تلفیقی در ...

پیوست ۴. جدول دوره کارشناسی ارشد اقتصاد فناوری اطلاعات و ارتباطات

اقتصاد خرد میانه	درسهای اصلی
اقتصاد کلان میانه	
مهندسی فناوری اطلاعات و ارتباطات	
تأمین مالی و سرمایه‌گذاری خارجی در پروژه‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات	
مدل‌سازی و پیش‌بینی اقتصادی	
نقش فناوری اطلاعات و ارتباطات در توسعه اقتصادی	
اقتصاد فناوری اطلاعات و ارتباطات ایران	
حقوق اطلاعات و ارتباطات	

برنامه‌ریزی اقتصادی	گرایش «سیاست‌گذاری در اقتصاد فناوری اطلاعات و ارتباطات»
خصوصی‌سازی و مقررات در فناوری اطلاعات و ارتباطات	
مدیریت و سازمان در فناوری اطلاعات و ارتباطات	
سیاست‌های تجاری و بازارهای بین‌المللی فناوری اطلاعات و ارتباطات	گرایش «بازار و مالی در فناوری اطلاعات و ارتباطات»
مدیریت پروژه‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات	
حسابداری صنعتی در فناوری اطلاعات و ارتباطات	
مسائل بانکی و بیمه در فناوری اطلاعات و ارتباطات	
بازاریابی و تولید در فناوری اطلاعات و ارتباطات	